

بررسی تطبیقی فرایند در کتاب‌های مسافران مه و خاطرات ایران؛ بر پایه نظریه سیستمی - نقشی

دکتر کلثوم قربانی جویباری، استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند
kolsoomghorbani@birjand.ac.ir

چکیده

یکی از حوزه‌های ادبیات پایداری، یعنی ادبیات انقلاب اسلامی و جنگ، که در چند سال اخیر رشد بسیار چشم‌گیری داشته است، زندگی‌نامه نویسی و داستان‌نویسی است. در این مقاله در صدد هستیم تا از دیدگاهی جدید، یعنی نظام گذرایی هلیدی، این دو ژانر را با هم مقایسه کنیم و ملاکی زبان‌شناختی در جهت تمایز رمان و زندگی‌نامه به دست دهیم. برای این منظور دو کتاب در حوزه دفاع مقدس انتخاب و بررسی شده است: *مسافران مه* از خدیجه قاسمی و *خاطرات ایران* از ایران ترابی. کتاب اول رمانی بلند است و کتاب دوم مجموعه خاطرات. برای این منظور در مقاله حاضر از نظریه سیستمی - نقشی هلیدی استفاده شده است. زبان‌شناسی سیستمی - نقشی بر این مفهوم تأکید دارد که انتخاب یک گزینه در نظام زبان مبتنی بر انگیزه‌هایی است که گوینده و نویسنده دارند و مجموعه این گزینش‌ها، متونی را خواهد ساخت که به طور متفاوتی سازماندهی و تفسیر می‌شوند. در این میان نقش کانونی را فرایند ایفا می‌کند. در نهایت با بررسی فرایند در کتاب‌های بالا روشن شد که در ژانر زندگی‌نامه بیش‌ترین بسامد را فرایندهای مادی دارند. زیرا آنچه در این ژانر سخن اول و آخر را می‌گوید واقعیت‌های روزمره و اتفاقات کوچک و بزرگ زندگی است. در مقابل در همین ژانر فرایند ذهنی یکی از کم‌ترین بسامدها را دارد. اما در ژانر رمان فرایند ذهنی بسیار بیشتر از زندگی‌نامه مورد استفاده قرار گرفته است. زیرا نویسنده برای در جریان گذاشتن مخاطب و روشن شدن زوایای پنهان داستان معمولاً به ذهن شخصیت‌ها وارد می‌شود و تخیلات آن‌ها را نیز بیان می‌کند. از سوی دیگر بسامد بالای فرایندهای رفتاری در رمان و بسامد کم این فرایند در خاطره این مطلب را می‌رساند که واکنش‌های لحظه‌ای زندگی‌نامه‌نویس نسبت به روی‌دادها در ذهنش باقی نمانده است. بلکه تنها خود رویداد است که ذهن زندگی‌نامه‌نویس را مشغول کرده است. در مقابل به نظر می‌رسد در رمان نویسنده برای شرح وقایع و تأثیرگذاری بیشتر حادثه بر روی مخاطب از فرایندهای رفتاری بسیار استفاده می‌کند.

واژگان کلیدی: رمان، زندگی‌نامه، خاطره، نظریه سیستمی - نقشی، فرایند.

مقدمه

یکی از حوزه‌های ادبیات پایداری، یعنی ادبیات انقلاب اسلامی و جنگ، که در چند سال اخیر رشد بسیار چشم‌گیری داشته است، زندگی‌نامه (biography) و رمان (novel) است. با مروری بر آثار انتشار یافته این حوزه به روشنی می‌توان دید که در دهه گذشته صدها عنوان داستان و زندگی‌نامه در این حوزه نوشته و چاپ شده است. در برخی از این آثار به راستی تشخیص این امر دشوار است که با داستان روبه‌رویم یا زندگی‌نامه. با اینکه زندگی‌نامه و داستان دو ژانر یا گونه (type) ادبی بسیار شناخته شده در ادبیات جهان هستند، اما به دلیل شباهتی که بین این دو ژانر وجود دارد، گاهی سخت است که تشخیص دهیم با یک زندگی‌نامه سر و کار داریم یا داستان. زیرا در برخی موارد همه اوج و فرودها، شخصیت‌پردازی‌ها، گره‌افکنی و گره‌گشایی‌های یک داستان در زندگی‌نامه نیز دیده می‌شود. در بین همه شبه داستان‌ها خاطره و زندگی‌نامه از همه به داستان نزدیک‌تر است (صفایی و اشهب، ۱۳۹۱: ۹۴). این تشابه ساختاری لزوم یافتن ملاک‌هایی دیگر برای تشخیص و تمایز این دو ژانر را به اثبات

می‌رساند. در این زمینه آثاری اندک به نگارش درآمده است. برای مثال می‌توان به مقالاتی مانند «تفاوت‌ها و شباهت‌های زندگی‌نامه و داستان» از حسین حداد (۱۳۸۵) و «زندگی‌نامه، خاطره و داستان» از احمد شاکری (۱۳۸۵) اشاره کرد. در زمینه ادبیات پایداری نیز مشکل تشخیص ژانر همچنان دیده می‌شود. برای مثال کتاب «دا» یکی از این نمونه‌هاست که به دلیل پرداخت بسیار خوب شخصیت و روایت قوی، تشخیص را مشکل می‌سازد. به همین دلیل مقاله‌ای در مورد این کتاب نوشته شده با عنوان «دا؛ خاطره یا رمان» از صفایی و اشهب (۱۳۹۲). با توجه به نگارش چنین مقالاتی و رشد روزافزون نگارش‌ها در حوزه ادبیات پایداری به نظر می‌رسد لازم است رمان و زندگی‌نامه از دیدگاه‌های مختلف نقد و بررسی شوند تا ملاک‌هایی قطعی و روشن برای تمایز این دو ژانر به دست داده شود، امید که هم نویسندگان را سودمند افتد و هم خوانندگان را.

در این مقاله در صدد هستیم تا از دیدگاهی جدید، یعنی نظام گذرایی هلیدی، این دو ژانر را با هم مقایسه کنیم و ملاکی زبان‌شناختی در جهت تمایز رمان و زندگی‌نامه به دست دهیم.

برای این منظور دو کتاب در حوزه دفاع مقدس انتخاب و بررسی شده است: *مسافران مه* از خدیجه قاسمی و *خاطرات ایران* از ایران ترابی. کتاب اول رمانی بلند است و کتاب دوم مجموعه خاطرات. *مسافران مه* کتابی است در خصوص زندگی شخصی یکی از اعضای گروهک تروریستی منافقین، پیش و مدتی پس از انقلاب، مبارزه او، پشیمانی‌اش، زندانی و اعدام شدن اطرافیان وی و در نهایت زندگی ناموفق و سرشار از شکست وی در دوران جنگ. وی در نهایت با کار در بیمارستان و خدمت به مجروحان جنگ تحمیلی تا حدی زندگی گذشته خود را جبران می‌کند و به عنوان پرستار و مددکار به آغوش جامعه و خانواده جدید خود که از جنگ آسیب‌های جدی دیده است، وارد می‌شود. *خاطرات ایران* نیز یادها و خاطرات سرکار خانم ایران ترابی یکی از پرستاران و مددکاران دفاع مقدس است که مستقیماً در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل حضور داشته است. وی این خاطرات را از پیش از انقلاب ایران آغاز می‌کند و تا دو سه سال پس از جنگ ادامه می‌دهند. بنابراین از نظر زمان روایت تفاوت چندانی میان این دو کتاب وجود ندارد. به علاوه شخصیت اصلی هر دو کتاب نیز زنانی مبارز هستند که شغلشان پرستاری است و برای آرمان‌های خود با خانواده و اطرافیان خود به مبارزه بر می‌خیزند. اما یکی در راه نادرست و دیگری در راه درست. بنابراین هر دو قهرمان زن داستان درگیر مبارزات و جنگ‌هایی هستند که از پیش از انقلاب و در دوران جنگ در ایران جریان داشته است. البته ماهیت مبارزات منافقین با ماهیت مبارزات رزمندگان اسلام به کل متفاوت است؛ اما ذات مبارزه در هر دو نمونه جنگیدن با نیرویی دیگر است.

فرضیات تحقیق

در این مقاله همان‌گونه که پیش از این نیز گفته شد در صدد هستیم بررسی کنیم که آیا رمان و خاطره به عنوان دو ژانر مختلف ادبی از نظر فرایندهای داستان با هم تفاوتی دارند یا خیر. البته در همین آغاز باید گفت که برای نتیجه قطعی در مورد تفاوت‌های این دو ژانر باید تعداد بیشتری از خاطرات و رمان‌ها مورد بررسی قرار گیرند. اما با توجه به اینکه این دو ژانر در ادبیات پایداری بسیار مورد توجه قرار گرفته اند، می‌توان این مقاله را گامی ابتدایی و به عنوان نظریه‌ای قابل آزمون برای آثار دیگر ادبیات پایداری در نظر گرفت. در مجموع به نظر می‌رسد با توجه به ویژگی‌های دو ژانر خاطره (زندگی‌نامه) و رمان بتوان این فرض را مطرح کرد که زندگی‌نامه از آنجا که با وقایع روزمره و واقعی سر و کار دارد و راوی آن دانای کل نیست، بنابراین کم‌تر به ذهنیات نویسنده و شخصیت‌های واقعی دیگر داستان می‌پردازد. به همین دلیل است که در زندگی‌نامه‌ها کمتر به این نوع جملات برمی‌خوریم: «وی بیست سال پیش این گونه می‌اندیشید که...» یا «من بیست سال پیش که در حال سفر به تهران بودم به این می‌اندیشیدم که...». زیرا در بسیاری مواقع آنچه در ذهن نویسنده زندگی‌نامه باقی مانده است، اتفاقات مهم و واقعی است، نه تخیلاتی که در زمان روی دادن اتفاق در ذهن می‌پرورانده است. اما در رمان به نظر می‌رسد با توجه به اینکه خالق اثر در لحظه حضور دارد و به ذهن همه شخصیت‌های داستانش نیز آگاه است، می‌تواند هر نوع تخیلی را

در ذهن پروراند و آن را وارد رمان خود کند. به همین دلیل است که در رمان به جمله‌هایی مانند آنچه در بالا آوردیم زیاد بر می‌خوریم: «وی در آن زمان این گونه می‌اندیشید که ...» یا «من وقتی سوار قطار شدم و در حال سفر به تهران بودم به این می‌اندیشیدم که ...».

اما پیش از پرداختن به اصل مقاله و آزمون فرضیه فوق، لازم است توضیح مختصری درباره تعاریف و کلیات بحث ارائه شود.

تعاریف و کلیات

زندگی‌نامه نویسی مقوله نگارشی رایجی است که گاه شکل کاملاً ابتکاری به خود می‌گیرد و گاه صورتی ابتدایی و مقلدانه پیدا می‌کند. زندگی‌نامه معمولاً در شرح حال کسانی است که در عالم خود تشخیصی داشته‌اند و آثار با ارزش فکری و تاریخی و اجتماعی از خود به جای گذاشته‌اند. در اشکال متعارف زندگی‌نامه‌نویسی معمولاً اطلاعاتی درباره محیط رشد، تحصیلات، موفقیت‌ها و شکست‌ها و آثار فرد به دست داده می‌شود و به تناسب موضوع گاه در زمینه‌های دیگر نیز گفتگو می‌شود (امامی، ۱۳۶۹: ۴۵). آنچه امروزه «زندگی‌نامه» می‌نامیم در گذشته اسلامی «ترجمه حال» و در گذشته ایرانی «کارنامه» (kārnamag) نامیده می‌شده است. برای مثال می‌توان پیشینه زندگی‌نامه‌نویسی را می‌توان در خداینامه و کارنامه اردشیر پاپکان مشاهده کرد. یا حتی می‌توان به کتیبه‌های هیروگلیفی در مصر باستان، سنگ‌نیشته‌های میخی کاخ‌های آشور و کتیبه‌های شاهان هخامنشی مانند کتیبه بیستون مشاهده کرد. پدیداست که در آن دوره‌های باستانی هدف آن نوشته‌ها بیش و کم بزرگانگاری هرچه تمام‌تر فرمانروایان و بزرگان می‌بود. بر پایه چنین هدفی عیار واقعیت این نخستین زندگی‌نامه‌ها چندان بالا نبوده است (مولوی، ۱۳۸۹: ۳۶۴). اما امروزه با توجه به انگیزه‌های نگارش زندگی‌نامه‌های حوزه پایداری که مهم‌ترین آن‌ها ثبت و ضبط وقایع است، بی‌تردید می‌توان بر ارزش تاریخی زندگی‌نامه‌ها نیز صحنه گذاشت.

رمان به عنوان نزدیک‌ترین ژانر به زندگی‌نامه‌نویسی برخی از ویژگی‌های آن را دارد؛ اما از نظر ماهیت با خاطره‌نگاری متفاوت است. زیرا از تخیلات نویسنده تراوش کرده است. در تعریف رمان گفته می‌شود: رمان روایتی نسبتاً طولانی است که شخصیت‌ها و حضورشان را در سازمان‌بندی مرتبی از وقایع و صحنه‌ها تصویر کند. هر رمان شرح و نقلی است از زندگی و در بر گیرنده عواملی چون کشمکش، شخصیت، عمل داستانی، صحنه، پیرنگ و درونمایه (داد، ۱۳۸۳: ۲۳۹). اما همه این ویژگی‌ها را زندگی‌نامه یا خاطره نیز دارد. حتی برخی از داستان‌نویسان شاخص سبک رئال بسیار تلاش می‌کنند که آثارشان را به گونه‌ای بنویسند که تا حد ممکن به روایات واقعی زندگی یا زندگی‌نامه نزدیک باشد. بنابراین روشن است که با ملاک‌های ذکر شده در تعریف زندگی‌نامه و رمان نمی‌توان تمایز و مرزبندی روشنی بین این دو ژانر قائل شد. البته غیر از آنچه در بالا آمد برخی ملاک‌های دیگر نیز در تمایز زندگی‌نامه و رمان ذکر شده است که در زیر به آن‌ها مختصراً اشاره می‌شود:

۱. زندگی‌نامه شخص به قلم خودش بهترین نوشته‌ای است که درباره او تألیف می‌شود. اما شخصیت داستان مصنوع و آفریده ذهن نویسنده است. در واقع هیچ شخصیت داستانی نمی‌تواند داستان خود را بنویسد.

۲. ممکن است محرک خاطره‌نویس انگیزه‌های شخصی و روابط خویشاوندی باشد. اما انگیزه‌های نوشتن برای داستان نویس می‌تواند انگیزه‌ای برگرفته از یک حس قوی و ماندگار، آگاهی، دردمندی، حسی و عاطفی باشد.

۳. تاریخ و شرایط اجتماعی، بستر تحولات زندگی یک‌یک انسان‌هاست. به همین دلیل گرچه بند ناف زندگی‌نامه به تاریخ بسته است، در عین حال زندگی‌نامه، تاریخ هم نیست. داستان می‌تواند با تکیه بر حوادث تاریخی به وجود آید (در این مورد ر.ک.: حسن، ۱۳۸۵: ۱۰). اگر حادثه‌ای تاریخی دستمایه داستان قرار گیرد، جزئیات مربوط به حادثه در ذهن نویسنده شکل می‌گیرد و در اکثر موارد تنها حادثه اصلی واقعی است.

۴. لازم نیست زندگی‌نامه خاطره نویس یک تراژدی با آغاز و پایانی غمناک باشد تا اثری زیبا و هنری به شمار آید. اما در داستان به آغاز و پایانی زیبا نیازمندیم (شاکری، ۱۳۸۵: ۲۶).

۵. زندگی‌نامه باید دقیق و تصویرگر شخص در رابطه با روزگار خویش باشد (امامی، ۱۳۶۹: ۴۵). زندگی‌نامه باید فرد را با همه مراتب خصلت آدمی توصیف کند، نه اینکه صرفاً به ارائه یک نوع فضیلت یا شرارت بسنده کند (در مورد ویژگی‌های تاریخی زندگی‌نامه و خاطره ر.ک.: خسروی، ۱۳۸۵: ۱۲۳). در داستان هم باید به خصلت‌های شخصیت توجه کرد، ولی دلیلی ندارد تک‌تک آن‌ها برشمرده شود و روزگاری که شخصیت در آن زندگی می‌کند دقیقاً تصویر شود.

۶. نویسندگان زندگی‌نامه‌ها را با مراجعه به منابع و مراجع گوناگون و اطلاعاتی که درباره صاحب ترجمه کسب می‌کنند می‌نویسند. اما نویسندگان داستان لزوماً به منابع تاریخی رجوع نمی‌کنند (حداد، ۱۳۸۵: ۱۸-۱۷).

۷. هنگامی که کسی خاطره می‌گوید تجربه خودش را نقل می‌کند. اما آن رویداد به او تعلق پیدا نمی‌کند. در داستان بالعکس، هنگامی که نویسنده رویدادی را به تصویر می‌کشد می‌تواند ادعا کند که خود آن را خلق کرده است (شاکری، ۱۳۸۵: ۲۵).

اما همان‌گونه که دریافته‌اید همه موارد بالا قابل نقض و استثنا پذیر است. برای مثال در یک رمان نیز می‌توان به اسناد تاریخی استناد کرد. همچنین در یک زندگی‌نامه می‌توان به هیچ سند تاریخی‌ای استناد نکرد. بنابراین روشن است که باید به دنبال ملاک‌های عینی‌تری برای تمایز این دو ژانر بود. در ادامه مقاله با معرفی نظریه سیستمی - نقشی هلیدی روشی را برای مقایسه این دو ژانر پیش می‌نهمیم که شاید بتواند ملاکی عینی‌تر در اختیار ما قرار دهد.

نظریه سیستمی - نقشی هلیدی

یکی از راه‌های بررسی و نقد ادبیات که امروزه رونق خاصی یافته، نقد ادبیات از منظر زبان‌شناسی است. اما همه نظریه‌های زبان‌شناسی به یک اندازه برای کاررفت در ادبیات مفید نیستند. برای مثال زبان‌شناسی ساختگرا که پا را از حد جمله فراتر نمی‌گذارد، بی‌تردید برای تحلیل گفتمان یا متن ابزار کارآمدی نیست. در مقابل، زبان‌شناسی نقش‌گرا که به واحدهای بزرگ‌تر از جمله نیز توجه خاص دارد، می‌تواند دیدگاه‌های مفیدی را در اختیار منتقدین قرار دهند تا به کندوکاو در لایه‌های زیرین متون پردازند. یکی از این نظریه‌های بسیار کاربردی نظریه سیستمی - نقشی (systemic-functional linguistics) است که توسط مایکل هلیدی (M.A.K. Halliday) ارائه شده. منتقدین و زبان‌شناسان زیادی درباره کاربردهای این نظریه سخن گفته‌اند. راجر فالر (Fowler) (۱۳۸۱: ۵۶) زبان‌شناسی سیستمی - نقشی را مفیدترین نظریه زبان‌شناسی برای مطالعه ادبیات می‌داند (برای توضیحات بیشتر در این زمینه ر.ک.: صالحی‌نیا و روحی، ۱۳۹۰).

در چارچوب زبان‌شناسی سیستمی - نقشی، پدیده‌های زبانی بر این مفهوم تأکید دارد که زبان در جامعه و نظام اجتماعی نقش و کارکردی ویژه دارد. یعنی زبان به صورت متزاع از جامعه انسانی یا مستقل از بافت تولیدکننده و تولید شده در آن هیچ کارکرد و نقشی ندارد. کارکرد و نقش‌های زبان نیز در واقع همان معانی پاره‌گفتارهای تولید شده در بافت است. به عبارت دیگر توصیف کارکردها و نقش‌های زبان در واقع توصیف و تبیین معانی مختلف یک پاره‌گفتار یا متن در بافت است. این الگویی است هلیدی از فرث وام گرفته است. بنا بر این الگو معنای هر پاره‌گفتار همان نقشی است که آن پاره‌گفتار در بافت ایفا می‌کند. الگوی هلیدی در زبان‌شناسی سیستمی - نقشی نیز آن است که با تبیین نقش‌های زبان، بخش‌های نقشی نظام معنایی آن را تعیین کند (Halliday & Hassan, 1976: 29).

بند که واحد اولیه مطالعه در دستور نقشگراست، حاوی بخش‌های بنیادین معناست که فرانش (metafunction) نامیده می‌شوند. همه زبان‌ها حول دو محور عمده معنایی یعنی «معنای اندیشگانی» (ideational meaning) یا بازتابی (reflective) و «بینافردي» (interpersonal meaning) یا کنشی (active) شکل گرفته‌اند. این بخش‌های بنیادین در نظام زبان، نمود دو هدف عام کاربرد زبان هستند: ۱/ فهم محیط (اندیشه)؛ ۲/ تعامل با افراد در

آن محیط (انتقال اندیشه). اما زبان بخش بنیادین دیگری نیز دارد که این دو بخش بر آن بار می‌شوند و آن بخش متنی (textual component) است که دو بخش پیش‌گفته را با بافت زبانی و غیرزبانی پیوند می‌زند. متناظر با همین بخش‌ها یا محورها، هلیدی و حسن نقش‌ها، معناها یا کارکردهای زبان را به سه دسته تقسیم می‌کنند: الف/ فرانش اندیشگانی: فرانش اندیشگانی زبان بر این دلالت می‌کند که تجربه سخن‌گویان از جهان بیرون و درون در زبان بازتاب داده می‌شود. زبان، درک و دریافت ما را از پدیده‌های پیرامونمان و درک و دریافت ما را از واقعیت‌های درونمان و در نتیجه تجربه ما را بازتاب می‌دهد. علاوه بر این زبان چگونگی نگرش ما را به جهان درون و بیرون را نیز تعیین می‌کند. در ادامه از این نقش بیشتر سخن خواهیم گفت. ب/ فرانش بینافردی: فرانش بینافردی زبان بر چگونگی برقراری، حفظ و تنظیم رابطه میان افراد دلالت می‌کند. به دیگر سخن، سبب مشارکین در کنش ارتباطی، نوع رابطه آن‌ها با یکدیگر، نقش آن‌ها در کنش ارتباطی و دیدگاهشان نسبت به این کنش در فرانش بینافردی زبان بازتاب داده می‌شود. مشارکین کنش کلامی در ارتباطی که از راه زبان میان خود ایجاد کرده‌اند، هر یک نقشی می‌کنند. ج/ فرانش متنی: زبان میان خود و بافت پل می‌زند تا به تناسب ویژگی‌های آن بافت، یک پاره گفتار را تولید کند. این فرانش که ارتباط پاره گفتار را هم با بافت زبانی و هم با بافت موقعیتی نشان می‌دهد، فرانش متنی زبان است و خواننده و شنونده را قادر می‌سازد تا متن را از مجموعه‌ای از جمله‌های تصادفی و نامنسجم تشخیص دهند (ibid: 28).

فرانش اندیشگانی و اهمیت آن در تحلیل ادبی و اندیشه

گفتیم که زبان وسیله بازنمایی جهان بیرون و درون آدمی و به عبارت دیگر وسیله اندیشیدن انسان است. اما برای آنکه جهان در زبان بازتابد به صورت‌های گوناگونی برش می‌خورد. در نتیجه تجربه‌ها و تصویرهایی که ما از پیوستار جهان پیرامون و جهان ذهنی و خیالین خود داریم، به واسطه زبان مقوله بندی می‌شوند، به صورت مفاهیم درمی‌آیند، رمزگذاری و بیان می‌شوند. به عبارت دیگر تجربه انسان از هستی به صورت پراکنده و پاره پاره صورت می‌گیرد. این مرحله تقطیع (segmentation) نام دارد. سپس در مرحله کدگذاری، تجربه‌ها در قالب نشانه‌های زبانی کدگذاری (codification) می‌شوند (Leech & Short, 1981: 8).

پدیدارها و نظام جهان از طریق برش‌هایی که در زبان به آن‌ها زده می‌شود، وارد زبان می‌شوند و ما بر پایه آن امکان می‌یابیم بیان‌دیشیم و بر پایه آن اندیشه به کنش دست بزنیم. پی‌آمد برشی که زبان در پیوستار جهان می‌زند این است که جهان هنگامی که در زبان باز می‌تابد به صورت پدیده‌هایی متمایز و مرزمند درمی‌آید. به واسطه این عمل زبان، پیوستار جهان به سه بخش تقسیم می‌شود: ۱/ فرایند (process) که ناظر است بر یک رخداد، کنش، حالت، فرایند احساسی، گفتاری یا وجودی. ۲/ مشارکین فرایند که عناصر دست‌اندرکار فرایند را در بر می‌گیرند و حول محور فرایند عمل می‌کنند. این عناصر می‌توانند یا عامل فرایند باشند یا فرایند بر آن‌ها اعمال شود یا اینکه از فرایند بهره‌مند شوند. ۳/ عناصر پیرامونی فرایند (circumstantial elements) عناصری هستند که زمان و مکان و شیوه عمل و وسایل و اسباب و شرایط فرایند را رقم می‌زنند.

از آنجا که در نظریه نقش‌گرایی، بیان تجربه‌های انسانی در قالب افعال و فرایندها از طریق فرانش اندیشگانی امکان پذیر می‌شود، می‌توان با بررسی و تعیین انواع فرایندها و بسامد وقوع آن‌ها در یک متن، از تجارب، تفکرات و دنیای درون نویسنده آگاه شد. این فرانش نشانگر و شاخص مهمی برای پی بردن به اندیشه‌های یک نویسنده محسوب می‌شود؛ زیرا بر مفهوم انتخاب یک گزینه از میان گزینه‌های بالقوه دیگر که در نظام زبان موجود است، تاکید می‌کند (آقاگل‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۴۴). در واقع انتخاب یک گزینه در نظام زبان مبتنی بر انگیزه‌هایی است که گوینده و نویسنده دارند و مجموعه این گزینش‌ها، متونی را خواهد ساخت که به طور متفاوتی سازماندهی و تفسیر می‌شوند (Simpson, 2004: 22).

در این میان نقش کانونی را خود فرایند ایفا می‌کند و در نتیجه تعداد و نوع مشارکین را هم تعیین می‌کند.^۱ در این چارچوب فرایندها به تناسب نوع و معنایی که دارند می‌توانند یک، دو یا سه مشارک داشته باشند. برای نمونه «مُردن» تنها یک مشارک دارد (منوچهر^۱ مُرد)، اما «دادن» به صورت بالقوه سه مشارک دارد (من^۱ کتاب^۲ را به علی^۳ دادم).

ساختار معنایی فوق یعنی نقش اندیشگانی زبان در ساختار تعدی یا گذرایی (transitivity structure) لایه واژی- دستوری زبان ظاهر بازتاب می‌یابد. همان‌گونه که می‌دانیم در ساختار تعدی، فعل (verb) نقش کانونی دارد و فعل تنها در بند است که فرایند را بازنمایی می‌کند. در ساختار تعدی دو اصطلاح «فعل لازم» (intransitive verb) که بیانگر فرایندهای یک مشارکتی است و «فعل متعدی» (transitive verb) که دو یا سه مشارک در آن دخالت دارند به کار می‌رود (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۴۱-۳۹).

نکته کلیدی این است که گذرایی یا تعدی مانند همه دستگاه‌های دیگر در نظریه سیستمی-نقشی، گزینش نظام مند را به دست می‌دهد، گزینشی که بر اساس انگیزه‌های گوینده و نویسنده از میان امکانات نظام زبان، صورت گرفته است. اصولاً مفهوم سیستم در این نظریه مبین فرایند گزینش است (همان: ۱۶). از اینرو، الگو و نظام گذرایی به عنوان ابزار روش شناختی مهم و قابل اعتنا، در بررسی متون است (Simpson, 2004: 26).

بر اساس این تحلیل می‌توان به این نتیجه رسید که بررسی چگونگی توزیع فرایندهای مختلف در شعر و توجه به نوع کنشگر و کنش پذیر انتخاب شده از سوی شاعر، از چند جهت می‌تواند راهگشای منتقد باشد:

۱. ادراک فضای حاکم بر متن شعر با شناخت نظام فرایندهای موجود در شعر؛
۲. تشخیص جنبه‌های استعاری متن.
۳. تشخیص معانی و مضامین مورد نظر شاعر که در انتخاب نوع فرایند و کنشگر یا کنش پذیر خاصی از سوی او نهفته است.
۴. تشخیص برجسته سازی‌های صورت گرفته توسط شاعر از طریق قرار دادن فرایند مثلاً رفتاری در زمینه ای از فرایندهای مادی (صالحی‌نیا و روحی، ۱۳۹۰: ۴۵)

طبقه‌بندی معنایی انواع فرایندها

فرایندها از نظر معنایی و مشارکین در آن در دو دسته کلی طبقه‌بندی می‌شوند: ۱/ فرایندهای اصلی؛ ۲/ فرایندهای فرعی. فرایندهای اصلی خود به سه دسته تقسیم می‌شوند: الف/ فرایند مادی (material process)؛ ب/ فرایند ذهنی (mental process)؛ ج/ فرایند رابطه‌ای (اسنادی) (relational process). فرایندهای فرعی. فرایندهای فرعی در مرز فرایندهای اصلی قرار می‌گیرند (آقاگل‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۴۸). به عبارت دیگر هر یک فرایندهای فرعی برخی از ویژگی‌های دو فرایند اصلی را دارند، اما نه همه آن‌ها را بنابراین میان دو فرایند اصلی قرار می‌گیرند. فرایندهای فرعی عبارتند از: الف/ فرایند رفتاری (behavioral process)؛ ب/ فرایند کلامی (verbal process)؛ ج/ فرایند وجودی (existential process). در ادامه به بررسی انواع این فرایندها و افعالی که آن‌ها را در نظام سیستمی-نقشی بازتاب می‌دهند می‌پردازیم.

فرایندهای اصلی

فرایند مادی

فرایندهای مادی، اعمالی فیزیکی هستند که بر انجام کاری یا رخدادن واقعه ای دلالت دارند و ممکن است غیر از کنشگر چیز دیگری از این فرایند متأثر شود یا نشود. افعالی همانند اتفاق افتادن، ساختن، خلق کردن، نوشتن، رنگ کردن، باز کردن، رفتن، ... در فرایند مادی به کار می‌روند (Halliday, Matthiessen, 2004: 174-190) و آقاگل‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۴۸ و مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۴۲). البته به گفته مهاجر و نبوی فرایند مادی می‌تواند هم فیزیکی باشد و هم غیرفیزیکی، مانند «پذیرفتن».

^۱ این نگرش نظریه سیستمی-نقشی هلیدی را بسیار به نظریه دستور وابستگی نزدیک و شبیه می‌کند

فرایند ذهنی

فرایند های ذهنی به تجربه ما از جهان درونی خودمان مربوط هستند، در حالی که فرایند های مادی به تجربه ما از دنیای بیرون مربوط می‌باشند (همان: ۱۹۷). فرایندهای ذهنی شامل ادراک، شناخت و واکنشهای ذهنی می‌شوند. فرایند های ذهنی با افعالی همانند درک کردن، فکر کردن، خواستن، تصمیم گرفتن، دوست داشتن، ترسیدن و ... همراه هستند (آقاگل زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۴۸). به گفته مهاجر و نبوی، فرایند ذهنی ضرورتاً دو مشارک دارد: ۱/ عنصر مُدرک که احساس، اندیشه و ادراک می‌نماید؛ ۲/ عنصر مُدرک یا پدیده (phenomenon) که احساس و درک یا به آن اندیشیده می‌شود (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۴۳).

فرایند رابطه‌ای (اسنادی)

فرایندهای رابطه‌ای فرایندهایی هستند که به چگونگی بودن چیزها و پدیدارها اشاره دارند و این امر را یا از رهگذر کیفیتی که به آن‌ها نسبت می‌دهند یا به واسطه بیان موقعیت زمانی - مکانی مترتب بر آن‌ها و یا از طریق تملکی که بر آن می‌رود صورت می‌دهد و این اغلب با افعال رابطه‌ای «است»، «بود»، «شد»، «گشت» و «گردید» بیان می‌شود. به عبارت دیگر فرایندهای رابطه‌ای به توصیف یا شناسایی مربوط می‌شوند. فرایند های رابطه‌ای با افعال ربطی مانند «به نظر رسیدن»، «شبهت داشتن» و ... نیز بیان میشوند (Halliday, 1985: 112-128).

فرایندهای فرعی

فرایند رفتاری

فرایندهای رفتاری بین فرایندهای مادی و ذهنی قرار دارند. این گروه از فرایندها به رفتارها و واکنش‌های جسمی و روحی انسان مربوط می‌شوند (Halliday, Matthiessen, 2004: 248). افعالی همانند «نگاه کردن، گریه کردن، لبخند زدن، نفس کشیدن، آواز خواندن، نشستن و ... در بندهای دارای فرایند رفتاری به کار می‌روند (آقاگل زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۴۸).

فرایند کلامی

فرایند کلامی به طور کلی شامل فرایندهایی از نوع گفتن می‌شوند (Halliday, Matthiessen, 2004: 225). فرایندهای کلامی بین فرایندهای ذهنی و رفتاری قرار دارند. فرایند های کلامی با افعالی مانند صحبت کردن، گزارش دادن، پرسیدن، دستور دادن و ... بیان می‌شوند (آقاگل زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۴۸).

فرایند وجودی

فرایندهای وجودی، وجود داشتن یا اتفاق افتادن چیزی را بیان می‌کنند (Halliday, Matthiessen, 2004: 256). این فرایند بین فرایندهای مادی و رابطه‌ای قرار دارد. فرایند های وجودی، با افعالی همانند «وجود داشتن، ظاهر شدن، نمایان شدن، آویزان بودن، باقی ماندن و ...» نشان داده می‌شوند (آقاگل زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۴۸).

بررسی داده‌ها

در ادامه مقاله با توجه به مبانی نظری پیش گفته به بررسی داده‌ها در بخش‌هایی از دو کتاب مورد مطالعه می‌پردازیم. همان‌گونه که پیش از این گفته شد این دو کتاب عبارتند از: *مسافران مه* از خدیجه قاسمی و *خاطرات ایران* از ایران ترابی. به دلیل حجم زیاد هر دو کتاب از هر یک پنج فصل انتخاب و بررسی شده است. ابتدا تمام افعال موجود در پنج فصل این متون استخراج و فرایندهای به کار رفته در هر یک از بخش‌ها مشخص و انواع فرایندها، بر اساس تقسیم بندی هالیدی، گروه بندی شده‌اند. درصد و بسامد وقوع انواع فرایندها که با بررسی تمامی افعال موجود در

فصول مذکور به دست آمده است، به عنوان یک ملاک برای تمیز دو ژانر داستان و زندگی‌نامه در نظر گرفته شده است. در جداول زیر نتایج این بررسی به تفکیک تعداد و درصد هر فرایند در هر کتاب دیده میشود.

الف/ بررسی فرایندها در کتاب مسافران مه:

پس از بررسی تمامی فرایندهای پنج فصل اول رمان *مسافران مه* نتیجه زیر به دست آمده است:

جدول ۱: تعداد فرایندها در فصل اول کتاب *مسافران مه*

نوع فرایند	تعداد
فرایند مادی	۸۳
فرایند ذهنی	۱۰۵
فرایند رابطه‌ای	۴۰
فرایند رفتاری	۱۰۳
فرایند وجودی	۱۴
فرایند کلامی	۶۳

جدول ۲: تعداد فرایندها در فصل دوم کتاب *مسافران مه*

نوع فرایند	تعداد
فرایند مادی	۱۲۵
فرایند ذهنی	۱۵۲
فرایند رابطه‌ای	۷۲
فرایند رفتاری	۱۴۴
فرایند وجودی	۴۱
فرایند کلامی	۹۴

جدول ۳: تعداد فرایندها در فصل سوم کتاب *مسافران مه*

نوع فرایند	تعداد
فرایند مادی	۸۴
فرایند ذهنی	۱۱۱
فرایند رابطه‌ای	۳۰
فرایند رفتاری	۱۰۲
فرایند وجودی	۷
فرایند کلامی	۵۲

جدول ۴: تعداد فرایندها در فصل چهارم کتاب *مسافران مه*

نوع فرایند	تعداد
فرایند مادی	۱۰۱
فرایند ذهنی	۱۱۷
فرایند رابطه‌ای	۵۷
فرایند رفتاری	۱۳۵

فرایند وجودی	۱۵
فرایند کلامی	۸۳

جدول ۵: تعداد فرایندها در فصل پنجم کتاب مسافران مه

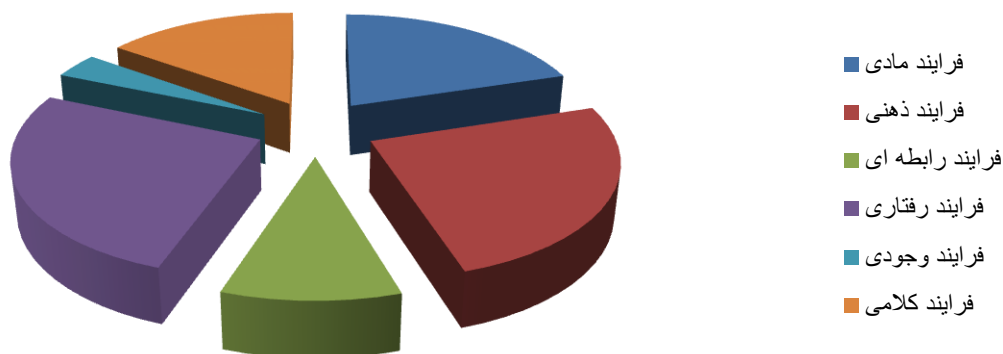
نوع فرایند	تعداد
فرایند مادی	۵۴
فرایند ذهنی	۸۱
فرایند رابطه‌ای	۲۱
فرایند رفتاری	۹۵
فرایند وجودی	۳
فرایند کلامی	۴۲

جدول ۶: مجموع فرایندها در پنج فصل اول کتاب مسافران مه

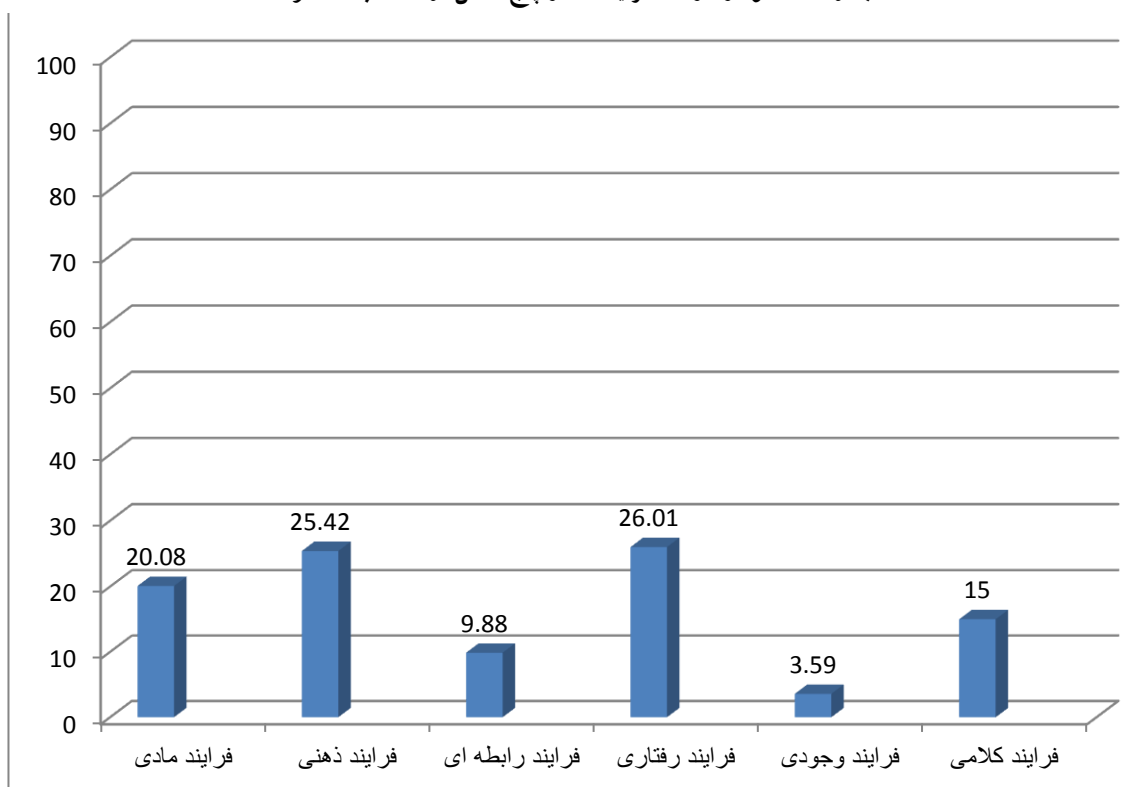
نوع فرایند	مجموع
فرایند مادی	۴۴۷
فرایند ذهنی	۵۶۶
فرایند رابطه‌ای	۲۲۰
فرایند رفتاری	۵۷۹
فرایند وجودی	۸۰
فرایند کلامی	۳۳۴
مجموع فرایندها	۲۲۲۶

با بررسی تمامی فرایندهایی که در پنج فصل اول رمان مسافران مه مشاهده می‌شود، می‌توان آمار کلی زیر را برای تحلیل نهایی فرایندها در این رمان ارائه کرد. این آمار کلی برای استخراج درصد کاربرد هر فرایند در رمان مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما به عنوان یک نتیجه ابتدایی می‌توان گفت در این رمان فرایندهای مادی، ذهنی و رفتاری تفاوت چندانی ندارند. البته فرایندهای رفتاری و ذهنی رتبه اول را در میان فرایندها دارند. اما نکته جالب این است که تفاوت فاحشی میان انواع فرایندها، جز فرایند وجودی در این رمان وجود ندارد.

نمودار فرایندهای کتاب مسافران مه



جدول ۷: نمودار درصد فرایندها در پنج فصل اول کتاب مسافران مه



ب/ بررسی فرایندها در کتاب خاطرات ایران

پس از بررسی تمامی فرایندهای پنج فصل اول خاطرات ایران نتیجه زیر به دست آمده است:

جدول ۸: تعداد فرایندها در فصل اول کتاب خاطرات ایران

نوع فرایند	تعداد
فرایند مادی	۱۲۶
فرایند ذهنی	۳۴
فرایند رابطه‌ای	۴۲
فرایند رفتاری	۴۰
فرایند وجودی	۱۱
فرایند کلامی	۳۰

جدول ۹: تعداد فرایندها در فصل دوم کتاب خاطرات ایران

نوع فرایند	تعداد
فرایند مادی	۸۶
فرایند ذهنی	۴
فرایند رابطه‌ای	۷
فرایند رفتاری	۱۴
فرایند وجودی	۲
فرایند کلامی	۹

جدول ۱۰: تعداد فرایندها در فصل سوم کتاب خاطرات ایران

نوع فرایند	تعداد
فرایند مادی	۱۰۰
فرایند ذهنی	۱۸
فرایند رابطه‌ای	۲۵
فرایند رفتاری	۲۸
فرایند وجودی	۱۶
فرایند کلامی	۲۳

جدول ۱۱: تعداد فرایندها در فصل چهارم کتاب خاطرات ایران

نوع فرایند	تعداد
فرایند مادی	۱۱۶
فرایند ذهنی	۳۴
فرایند رابطه‌ای	۴۱
فرایند رفتاری	۴۵
فرایند وجودی	۳۲
فرایند کلامی	۴۱

جدول ۱۲: تعداد فرایندها در فصل پنجم کتاب خاطرات ایران

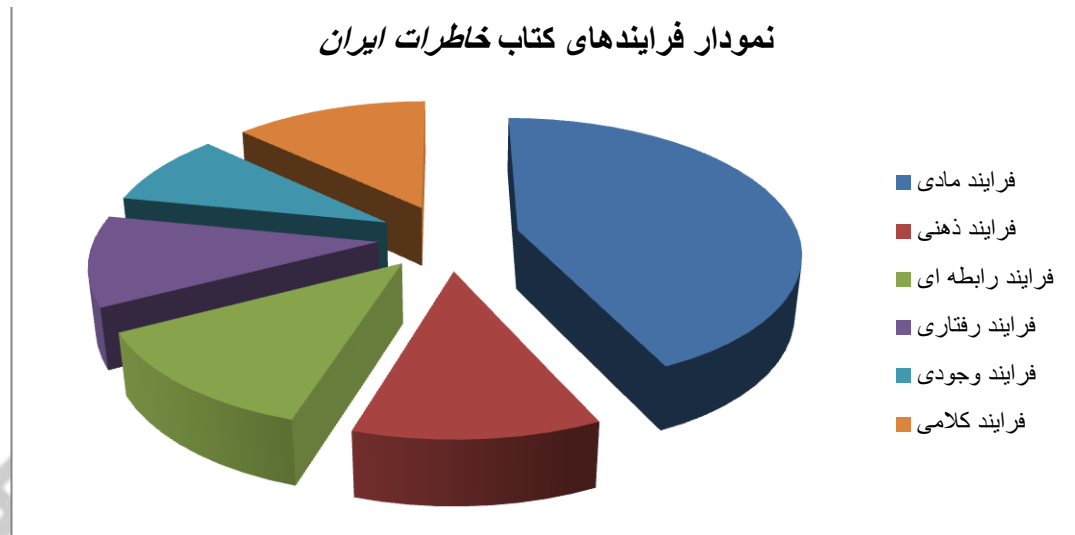
نوع فرایند	تعداد
فرایند مادی	۱۴۴
فرایند ذهنی	۶۵
فرایند رابطه‌ای	۵۲
فرایند رفتاری	۷۶
فرایند وجودی	۵۶
فرایند کلامی	۷۰

جدول ۱۳: مجموع فرایندها در پنج فصل اول کتاب خاطرات ایران

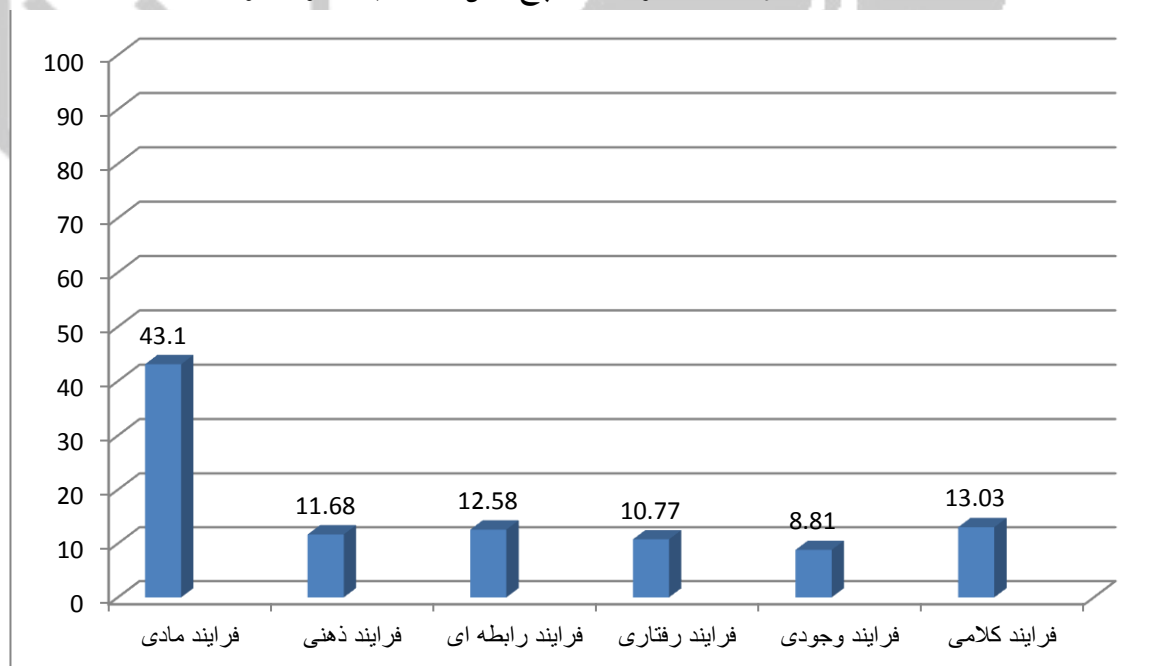
نوع فرایند	مجموع
فرایند مادی	۵۷۲
فرایند ذهنی	۱۵۵
فرایند رابطه‌ای	۱۶۷
فرایند رفتاری	۱۴۳
فرایند وجودی	۱۱۷
فرایند کلامی	۱۷۳
مجموع فرایندها	۱۳۲۷

با بررسی تمامی فرایندهایی که در پنج فصل اول خاطرات ایران مشاهده می‌شود، می‌توان آمار کلی زیر را برای

تحلیل نهایی فرایندها در این خاطره‌نگاری ارائه کرد. این آمار کلی برای استخراج درصد کاربرد هر فرایند در کتاب مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما به عنوان یک نتیجه ابتدایی می‌توان گفت که در این کتاب فرایندهای ذهنی، رابطه‌ای، رفتاری و کلامی تفاوت چندانی ندارند. اما نکته جالب این است که بسامد فرایند مادی در این خاطره‌نگاری تفاوت فاحشی با بقیه فرایندها دارد. به طوری که کمتر از نیمی از فرایندهای این خاطره‌نگاری فرایندهای مادی هستند:



جدول ۱۴: نمودار درصد فرایندها در پنج فصل اول کتاب خاطرات ایران

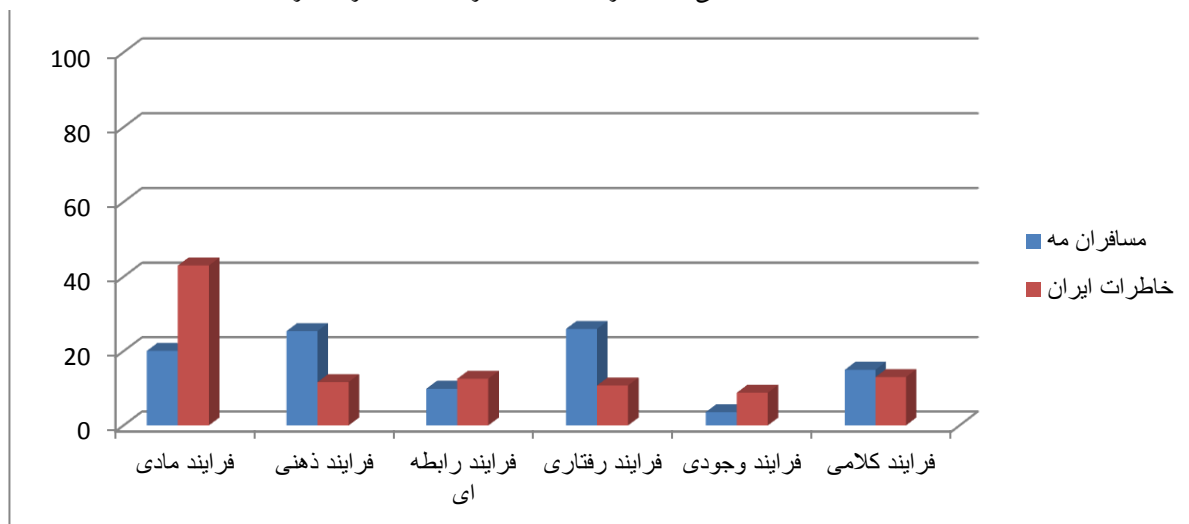


تحلیل داده‌ها

با توجه به آنچه تا کنون آمده روشن است که فرایندهای به کار رفته در کتاب‌های مسافران مه به عنوان رمان و خاطرات ایران به عنوان خاطره‌نگاری از چند جهت متفاوت و از چند جهت مشابه هستند. بسامد فرایندهای رابطه‌ای و کلامی در این دو کتاب بسیار به هم شبیه‌اند. فرایند وجودی نیز در هر دو کتاب کم‌ترین بسامد را دارد. اما

فرایندهای مادی، ذهنی و رفتاری در این دو کتاب تفاوت فاحش دارند. بسامد فرایندهای ذهنی و رفتاری در رمان مسافران مه بسیار بیشتر از خاطرات ایران است. اما در مقابل، فرایند مادی در خاطرات ایران بسیار بیشتر از رمان مسافران مه است. با استفاده از نمودار زیر تفاوت در بسامد و نوع فرایندهای به کار رفته در دو کتاب پیش‌گفته روشن‌تر می‌شود:

جدول ۱۵: درصد تطبیقی بسامد فرایندها در مسافران مه و خاطرات ایران



نتیجه‌گیری

همانگونه که در مقدمه مقاله آمد نظام گذرایی مکانیسم بیان فرانش اندیشگانی و تجربی در زبان است. نکته کلیدی این است که گذرایی، گزینش نظام مندی را به دست می‌دهد، گزینشی که بر اساس انگیزه‌های گوینده و نویسنده از میان امکانات نظام زبان، صورت گرفته است. از اینرو، الگو و نظام گذرایی بعنوان ابزار روش شناختی مهم و قابل اعتنا، در بررسی متون و بویژه خصوصیات منحصر به فرد آن‌هاست. بنابراین اگر متنی براساس نظام گذرایی، تجزیه و تحلیل شود، مولفه‌های معنایی اساسی جمله و به دنبال آن مولفه‌های معنایی کل متن شناسایی می‌شود. بسامد هر یک از فرایندهای مذکور در این نظریه نشانه‌ایست که تحلیل‌گر را به گزینش‌های خودآگاه و ناخودآگاه نویسنده/گوینده متن رهنمون می‌شود. هدف نگارنده نیز از بررسی نظام گذرایی در دو کتاب *مسافران مه* و *خاطرات ایران* دستیابی به ملاکی بوده که بتوان بین دو ژانر رمان و خاطره‌نویسی (زندگی‌نامه) تمایز قائل شد. البته از همان آغاز نیز گفتیم که برای نتیجه قطعی در مورد تفاوت‌های این دو ژانر باید تعداد بیشتری از خاطرات و رمان‌ها مورد بررسی قرار گیرند. اما با توجه به اینکه این دو ژانر در ادبیات پایداری بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند، می‌توان این مقاله را گامی ابتدایی و به عنوان نظریه‌ای قابل آزمون برای آثار دیگر ادبیات پایداری در نظر گرفت.

اما با توجه به پژوهش مختصری که در این مقاله انجام شد، به نظر می‌رسد فرضیه ابتدایی نگارنده تا حد زیادی به اثبات رسید. در ابتدا گفتیم که با توجه به ویژگی‌های دو ژانر خاطره (زندگی‌نامه) و رمان بتوان این فرض را مطرح کرد که زندگی‌نامه از آنجا که با وقایع روزمره و واقعی سر و کار دارد و راوی آن دانای کل نیست، بنابراین کم‌تر به ذهنیات نویسنده و شخصیت‌های واقعی دیگر داستان می‌پردازد. زیرا در بسیاری مواقع آنچه در ذهن نویسنده زندگی‌نامه باقی مانده است، اتفاقات مهم و واقعی است، نه تخیلاتی که در زمان روی دادن اتفاق در ذهن می‌پرورانده است. اما در رمان به نظر می‌رسد با توجه به اینکه خالق اثر در لحظه حضور دارد و به ذهن همه شخصیت‌های داستان نیز آگاه است، می‌تواند هر نوع تخیلی را در ذهن پروراند و آن را وارد رمان خود کند. در پژوهش بالا نیز روشن شد که در ژانر زندگی‌نامه بیش‌ترین بسامد را فرایندهای مادی دارند. زیرا آنچه در این ژانر سخن اول و آخر را می‌گوید واقعیت‌های روزمره و اتفاقات کوچک و بزرگ زندگی است. در مقابل در همین ژانر

فرایند ذهنی یکی از کم‌ترین بسامدها را دارد. زیرا معمولاً نویسنده/ گوینده زندگی‌نامه تخیلات و احساسات زودگذر سال‌های دور را در ذهن ندارد. بلکه رخداد‌های مهم و واقعی در ذهن او نقش بسته است. اما در ژانر رمان فرایند ذهنی بسیار بیشتر از زندگی‌نامه مورد استفاده قرار گرفته است. زیرا نویسنده برای در جریان گذاشتن مخاطب و روشن شدن زوایای پنهان داستان معمولاً به ذهن شخصیت‌ها وارد می‌شود و تخیلات آن‌ها را نیز بیان می‌کند. البته در رمان فرایندهای ذهنی و مادی به یک اندازه دیده می‌شود و این نشان از اهمیت برابر تخیل و واقعیت در رمان دارد. از سوی دیگر بسامد بالای فرایندهای رفتاری در رمان و بسامد کم این فرایند در خاطره این مطلب را می‌رساند که واکنش‌های لحظه‌ای زندگی‌نامه‌نویس نسبت به روی دادها در ذهنش باقی نمانده است. بلکه تنها خود رویداد است که ذهن زندگی‌نامه‌نویس را مشغول کرده است. در مقابل به نظر می‌رسد در رمان نویسنده برای شرح وقایع و تأثیرگذاری بیشتر حادثه بر روی مخاطب از فرایندهای رفتاری، مانند دویدن، گریستن، خندیدن، سرفه کردن و جز آن، بسیار استفاده می‌کند.

منابع و مأخذ

- آقاگل زاده، فردوس و کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و رضویان، حسین، « سبک شناسی داستان بر اساس فعل: رویکرد نقشگرا»، فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال چهارم، شماره اول، ۱۳۹۰
- امامی، نصرالله، «زندگی‌نامه‌نویسی، شیوه و تاریخچه»، نشر دانش، ۱۳۹۶
- ترابی، ایران، خاطرات ایران، خاطره نگار: شیوا سجادی، تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۰
- حداد، حسین، «تفاوت‌ها و شباهت‌های زندگی‌نامه و داستان»، ادبیات داستانی، آبان و آذر، شماره ۱۰۴، ۱۳۸۵
- حسن، محمد عبدالغنی، زندگی‌نامه‌ها و چگونگی پیدایش آن‌ها، ادبیات داستانی، آبان و آذر، شماره ۱۰۴، ۱۳۸۵
- خسروی، شمسی، «خاطره‌گویی یک نیاز تاریخی»، ادبیات داستانی، آبان و آذر، شماره ۱۰۴، ۱۳۸۵
- داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید، ۱۳۸۳
- شاکری، احمد، «زندگی‌نامه، خاطره، داستان» ادبیات داستانی، دی، شماره ۱۰۵، ۱۳۸۵
- صالحی نیا، مریم و روحی، زهرا، «بررسی انتقادی کاربرد نظریه ی سیستمی - نقشی هلییدی (زبان شناسی متن بنیاد) در نقد شعر معاصر فارسی، در نامه ی نقد (مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نظریه و نقد ادبی در ایران)، به کوشش محمود فتوحی، تهران: نشر خانه کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۰
- صفایی، علی و اشهب، اسماعیل، «کتاب دا، خاطره یا رمان»، نشریه ادبیات پایداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال چهارم، شماره هشتم، بهار و تابستان، ۱۳۹۲
- فالر، راجر و دیگران. زبان شناسی و نقد ادبی. ترجمه ی مریم خوزان و حسین پاینده. تهران: نشر نی، ۱۳۸۱
- قاسمی، خدیجه، مسافران مه، تهران، روزگار، ۱۳۸۷
- مهاجر، مهران و نبوی، محمد، زبان‌شناسی شعر، تهران، مرکز، ۱۳۷۶
- مولوی، فرشته، «نگاهی گذرا به زندگی‌نامه نویسی»، بخارا، خرداد، ۱۳۸۹
- Halliday, M. A. K & Ch. Matthiessen. An Introduction to Functional Grammar, 3rd edition, London, Edward Arnold Publishers Ltd., 2004
- Halliday, M. A. K & R. Hassan, *Cohesion in English*, London: Longman. 1976
- Leech, G. N. & M. H. Short, *Style in Fiction*, London: Longman, 1981
- Halliday, M. A. K. , *An introduction to Functional Grammar*, London, Edward Arnold. 1985
- Simpson, P., *Stylistics: A Resource Book for Students*. London, Routledge, 2004